سخن روز

چرا پنهان کاری؟

ادامه از صفحه اول/ طبیعی است در طول اجرای این قرارداد کارشناسانی از ناحیه طرف چینی برای مدت اجرای قرارداد در ایران فعال خواهند بود. یعنی به استخدام طرف ایرانی درخواهند آمد یا رابطه استخدامی پیدا خواهند کرد. هرچند در تیم طرف چینی به عنوان فعالین طرف چینی تعریف شوند. بکارگیری کارشناسان خارجی حالا هر عنوانی که به آن بدهیم هم برابر اصل ۸۱ قانون اساسی تعریف خود را دارد. برابر این اصل استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی. در اجرای توافقنامه ۲۵ ساله بین ایران و چین، الزاما طرف چینی علاوه بر بکارگیری کارشناسان خود، وام یا کمک‌های مالی هم در اجرای قرارداد به عنوان آورده خود خواهد داشت که این موارد هم برابر اصل ۸۹ قانون اساسی که گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت را با تصویب شورای اسلامی دانسته است. سرمایه‌گذاری طرف چینی حتما باید به تصویب مجلس برسد. به هرصورت، حداقل برای ثبت در تاریخ هم که شده باید نمایندگان مجلس به عنوان وکیل مردم به اینکه مجلس در راس امور است، به اصول قانون اساسی خصوصا اصولی که در ارتباط با قرارداد با دول و شرکت‌های خارجی است، پایبندی نشان دهند و مردم را امین بدانند. هرچند طرف چینی نمی‌دانم با چه انگیزه و یا نفعی که برای چین یا ایران خواهد داشت، مخفی ماندن مفاد قرارداد را جزو الزامات آن دانسته است اما تنظیم قرارداد، امضای آن، شرایط و مقرراتی دارد که در اصول متعدد قانون اساسی آمده است. ۲۵ سال در تاریخ ممکن است مکثی کوتاه باشد اما اثراتی دارد. این اثرات چه خوب، چه بد در آینده بر منظر محققان و مورخان قرار خواهد گرفت. اولین سوالی که خواهند پرسید این است: جایگاه مجلس در تنظیم و تصویب و اجرای این قرارداد حتی اگر صددرصد به نفع ایران باشد، کجاست؟ نمایندگان باید بدانند در پیشگاه تاریخ باید پاسخگو باشند.

دیدگاه

آن روز که شاه گریست!

ادامه از صفحه اول/ گارد جاویدانی که دژ مستحکم خود می‌پنداشت با سرعت باورنکردنی در برابر مردم هویت و کارکرد خود را از دست داد. داستان شاه از بدمستی‌ها تا آخرین گریه‌اش در ایران و بغض‌های تاریخی‌اش در مصاحبه‌ها خیره کننده است! دیکتاتوران واقعا حقایق عریان را نمی‌فهمند و نمی‌بینند؟ ثناگویان را در اطراف خود جمع می‌کنند برایشان هزینه می‌کنند و عاقلان و دلسوزان و مصلحت‌اندیشان و آینده‌نگران و واقع‌گویان شجاع را به اتهام ترس و بی‌دانشی منزوی می‌کنند. آقای زاهدی که همچنان بر علاقه خود به محمدرضا پهلوی تاکید می‌کرد به صراحت معتقد شده بود که ما اطرافیان شاه به او خیانت کردیم که آنچه دوست داشت بشنود را به سمعش می‌رساندیم! شاه تصور می‌کرد که بهتر از همه می‌فهمد و می‌داند درحالی که خیلی دیر و ناقص مهم‌ترین اطلاع زندگیش یعنی اضمحلال پایه‌های سلطنتش را فهمید! او مدعی شد که پیام انقلاب مردم را فهمیده است ولی ماه‌ها مقاومت کرد و بالاخره با زور، آخرین سنگرهای رژیمش را تحویل مردم داد. اگر شاه قبل از ۱۷ شهریور اعلام شنیدن می‌کرد و با انقلابیون وارد مذاکره می‌شد و انتخابات آزاد برگزار می‌کرد شاید امکان سلطنت و نه حکومت را از دست نمی‌داد و اگر پس از ۱۷ شهریور استعفا می‌کرد و قدرت را به یک دولت انتقالی تحویل می‌داد ممکن بود حتی بتواند در ایران بماند و آواره جهان نشود. شاه مستبد بزم بود و نه حاکم رزم لذا نه تن به قواعد دموکراتیک داد و نه توان مقاومت دیرپا داشت تا با اراده و سرکوب شدید پیروزی انقلاب را به تاخیر افکند. او نه در ۲۶ دی ماه ۵۷ که از کودتای ۲۸ مرداد سقوط و تنهایی خود را آغاز کرده بود و همه را به پایین می‌کشید! شاه عبرت دیکتاتوران نمی‌شود (البته هیچ دیکتاتوری اهل عبرت گرفتن از عاقبت شاهان وسلاطین نخواهد بود) چون بد و ضعیف بازی کرد و احتمالا دیکتاتوران دیگر از خرده بگیرند که خیلی زود واداد و گریخت. کما اینکه جز بن‌علی در تونس در بهار عربی بقیه ماندند و ثابت کردند با زور و پول و دسیسه می‌شود بیشتر ماند.

مذاکره‌کنندگان جدید کارنامه ارائه دهند

ادامه از صفحه اول/ نکته دوم، تا زمانی که براساس یک جدولی که آقای باقری و همکارانشان به‌صورت شفاف در آن تفاوت توافق احتمالی پس از دور ششم و همچنین توافق احتمالی در زمان خودشان را ارائه ندهند، نمی‌توان در مورد این مساله اظهارنظر کرد که آیا چیز بیشتری از آنچه در دولت قبل به آن نزدیک شده بودیم، دستاورد داشته‌اند یا خیر و دور از انصاف است که در این مورد گمانه‌زنی صورت بگیرد. البته یکی از مشکلاتی که ما در حال حاضر با آن روبه‌رو هستیم، این است که تمام اخبار را باید از منابع خارجی کسب کنیم و در داخل تنها کلی گویی صورت می‌گیرد و تا زمانی که ما ندانیم تیم ایران چه چیزی تاکنون به دست آورده، نمی‌توانیم قضاوت کنیم. ظاهرا در آستانه تفاهم هستیم و در این میان برخی اتفاقات در حال وقوع است؛ نخست می‌بینیم که یک زندانی دوتابعیتی ایرانی-انگلیسی آزاد می‌شود یا خبرهایی آمده که آمریکا با فروش هواپیمای مسافربری به ایران موافقت کرده است و ایرباس هم برای این امر آمادگی دارد. همچنین سفر آقای امیرعبداللهیان به عمان حامل پیام مهمی است؛ چراکه این کشور به‌صورت سنتی میانجی میان تهران و واشنگتن بوده و امکان دارد در این سفر هم نکاتی در این رابطه مطرح شده باشد. در خصوص لزوم گفت‌وگوی مستقیم با ایالات متحده در این برهه زمانی برای تسریع در مذاکرات، نهایی کردن موارد توافق شده و کاهش پرانتزهای اختلافی بارها تاکید شده است. باید به این مساله توجه داشته باشیم که هر کشوری منافع خاص خود را دارد و از ترویکای اروپایی تا روسیه و چین، هیچ‌کدام منافع خود را قربانی منفعت کشور دیگری نمی‌کنند. مضاف بر این هیچ منعی برای گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا وجود ندارد و اخیرا رهبری نیز مجددا به صراحت اعلام کردند که مذاکره با دشمن به معنی تسلیم نیست. بنابراین هیچ وجهی را برای اینکه ما مذاکرات را به این شکل ادامه دهیم، قائل نیستم. کشور خواهان لغو تحریم، ما هستیم و کشوری که باید تحریم را لغو کند، آمریکاست، پس چرا نباید به‌صورت مستقیم با این کشور مذاکره کنیم؟

علیرضا محجوب در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

۷۰ درصد جامعه چقدر قدرت خرید دارند؟ فقط ۳۸ درصد

- تورم برای برخی جشن بوده، برای مردم عزا
- ۶۲ درصد قدرت خرید در اختیار سه دهک جامعه قرار دارد
- با آنارشیسم در قیمت کالاهای موردنیاز مردم مواجهیم
- دلسوزی برای مردم نان نمی‌شود
- برداشتن گام‌های بزرگ و مؤثر را به مردم بدهکار هستیم
- بزرگ‌تر شدن بودجه، فشار اقتصادی روی مردم را بیشتر می‌کند
- کشورهایی که با ما مسیر را آغاز کردند از ما فاصله گرفته‌اند
- میزان مسافرت مردم نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشته است

آرمان ملی – احسان انصاری: سیاست‌های دولت به چه میزان در زندگی اقشار ضعیف جامعه نقش داشته است؟ آیا سیاست‌های دولت توانسته فشار اقتصادی روی زندگی مردم را کاهش بدهد؟ «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با علیرضا محجوب نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و دبیر کل خانه کارگر گفت‌وگو کرده است. محجوب در این زمینه معتقد است: «برخی که از راه ثروت‌های بادآورده به پول‌های هنگفتی رسیده‌اند از تورم سود زیادی برده و تورم برای آنها جشن بوده در حالی که برای فقرا عزا بوده است. هنگامی که عنوان می‌کنیم پول ملی باید تقویت شود نباید عکس آن عمل کنیم و اقداماتی انجام بدهیم که ارزش پول ملی روز به روز کاهش پیدا کند. من تردیدی ندارم همه کسانی که عنوان می‌کنند فقر باید کاهش پیدا کند دلسوز هستند. اما این دلسوزی باید در عمل مشاهده شود. به همین دلیل نیز اعتماد عمومی مردم کاهش پیدا کرده است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بودجه سال ۱۴۰۱ تا حدود زیادی جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت را مشخص کرده است. از منظر آسیب‌شناسی در چشم‌انداز اقتصادی که دولت برای سال آینده ترسیم کرده چه نقاط قوت و ضعفی مشاهده می‌کنید؟

بدنه اجرایی کشور به همراه مدیرانی که به‌تازگی روی کار آمده‌اند با توجه به شرایط کشور بودجه سال آینده را تنظیم کرده‌اند. واقعیت این است که بودجه فزاینده و در راستای فربه کردن دولت و کوچک شدن کسب‌وکار مردم است. هرچه بودجه بزرگ‌تر باشد به همان اندازه دولت ناکارآمدتر خواهد بود. این موضوع به‌خوبی در دولت شهید رجایی اثبات‌شده است. شاخص معتبری که در این زمینه تعیین‌کننده است نسبت بودجه با تولید ناخالص داخلی است. از این طریق می‌توانیم نقش دولت در اقتصاد یک سال را مورد تحلیل و بررسی قرار بدهیم. با تحلیل این موضوع ما می‌توانیم به این نتیجه دست پیدا کنیم که چه میزان از تولید ناخالص ملی در اختیار دولت قرار دارد و دولت چه سیاست‌هایی درباره آن در پیش گرفته است. در دولت شهید رجایی این عدد ۲۶ درصد بوده است و بعد از آن در دولت مهندس موسوی به ۳۵ درصد رسیده است. نکته قابل تأمل این است که پس از این دوران دیگر این رکوردها تکرار نشده است و این رقم به ۶۰ درصد، ۷۰ درصد و گاهی تا ۹۰ درصد نیز رسیده است. در شرایط کنونی با توجه به رقمی که بانک جهانی درباره تولید ناخالص داخلی ایران مطرح کرده ما با رقمی بالا در این زمینه مواجه هستیم. به همین دلیل ما نباید بودجه را فزاینده و فربه کنیم و بلکه باید حجم بودجه را کاهش بدهیم تا تحمل فشارهای اقتصادی برای مردم آسان‌تر شود. دولت باید این نکته را در نظر داشته باشد که در شرایط کنونی اقشار مختلف مردم در شرایط نامناسب اقتصادی هستند و به همین دلیل باید سیاست‌هایی در پیش گرفت که فشار اقتصادی از روی زندگی مردم برداشته شود.

چرا دولت حجم بودجه را افزایش داده است؟

اگر دولت می‌خواست بودجه را افزایش بدهد باید از راه‌های دیگر این کار را انجام می‌داد. به‌عنوان‌مثال امروز برخی در بانک‌ها در حال پولشویی هستند که دولت می‌توانست با برخورد با این پول‌شویی‌ها منابع خود را تأمین کند. برخی گروه‌های اجتماعی به دلیل اینکه از ثروت‌های بادآورده استفاده می‌کنند فشار تورم را احساس نمی‌کنند و در مقابل فشار اقتصادی روی زندگی اغلب مردم قرار دارد. اگر دولت می‌خواهد حجم بودجه را افزایش بدهد باید مالیات‌های گروه نخست را زیاد کند و نه گروه دوم را. دولت افزایش یارانه‌های نقدی را در دستور کار خود قرار داده است. این در حالی است که منابع این کار باید از طریق مالیات خالص تأمین شود. دولت باید به‌صراحت به مردم بگوید که قصدش از چنین اقداماتی توزیع مجدد درآمد است. در چنین شرایطی باید در درآمد کسانی بازنگری صورت بگیرد که در این زمینه با مشکل مواجه هستند و در مقابل درآمد کسانی کاهش پیدا کند که از درآمد ناعادلانه‌ای برخوردار هستند. موضوع مهمی که در این زمینه مطرح است و مقام معظم رهبری نیز در سال‌های اخیر همواره روی آن تأکید داشته‌اند و تنها راه نجات اقتصاد کشور از وضعیت کنونی است تقویت تولید فناورانه است. همه کشورهایی که از این مسیر عبور کرده‌اند، چالش‌ها را پشت‌سر گذاشته و تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده‌اند از راه تولید فناورانه به توسعه و پیشرفت دست پیدا کرده‌اند. متأسفانه تولید فناورانه در کشور نسبت به تولید ناخالص داخلی کوچک است و قابل‌توجه نیست. به همین دلیل است که ما نسبت به کشورهایی که مسیر را با ما آغاز کرده‌اند فاصله وحشتناکی گرفته‌ایم و آنها به دستاوردهای مهمی دست پیدا کرده‌اند.

چرا این فاصله ایجاد شد؟

روابط خارجی در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. برخی از این کشورها در شرایط تنگنا و فشار قرار داشته‌اند. با این‌وجود در همین شرایط نیز موفق شده‌اند گام‌های مؤثر و بزرگی برای توسعه و پیشرفت بردارند. ما این گام‌های مؤثر و بزرگ را به مردم و کشور بدهکار هستیم. یکی از این گام‌های مؤثر حمایت و تقویت از تولید فناورانه است. ردپای این موضوع را می‌توان در بودجه سال آینده مشاهده کرد. مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس نیز در این زمینه صحبت کرده‌اند و ممکن است چشم‌اندازی روشنی نیز برای تولیدکنندگان ترسیم کرده باشند. با این وجود هنوز نتایج عملی آن مشخص نشده است. آنچه حائز اهمیت است اجرایی شدن این وعده‌ها است و نه اظهارنظر و وعده. عملیاتی شدن این وعده‌ها نیازمند یک بسته جامع و کاربردی است که بودجه یکی از ارکان این بسته به شمار می‌رود. نکته دیگر اینکه دربسته‌ای که دولت در نظر گرفته آنچه و مشهود است این است که مسائلی که مطرح‌شده بیشتر جنبه شعاری دارد تا عملیاتی.

دولت چگونه می‌تواند در مسیری حرکت کند که فشار اقتصادی روی زندگی مردم کاهش پیدا کند؟

دولت اگر قرار است اقدامی برای زندگی مردم انجام بدهد و فشار را کاهش بدهد باید مشخص و قابل ارزیابی باشد و به‌صورت ملموس در زندگی مردم احساس شود. به‌عنوان‌مثال اگر دولت بودجه خود را تقدیم مجلس کرده آثار و نتایج آن باید در سال آینده روی زندگی مردم مشخص باشد. در چنین شرایطی می‌توانیم عملکرد دولت را مورد ارزیابی دقیق قرار بدهیم که آیا در مسیری حرکت کرده که فشار اقتصادی روی زندگی مردم کاهش پیدا کند یا خیر. آنچه برای مردم حائز اهمیت و از بودجه اهمیت زیادتری دارد تورم است. امروز آنچه فشار زندگی بر مردم را افزایش داده پرش روزبه‌روز قیمت کالاهای موردنیاز مردم است. برخی به دلیل اینکه قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند قیمت کالاهای خود را افزایش می‌دهند. نکته جالب این است که در روزهایی که قیمت ارز روند کاهشی نیز دارد این افراد قیمت کالاهای خود را افزایش می‌دهند. این نوعی هرزه‌گردی اقتصادی است که به بیشتر به‌واسطه‌ها، دلال‌ها و گروه‌های غیرمولد بازمی‌گردد. این وضعیت در بخش توزیع و تولید مواد اولیه نیز وجود دارد. چنین شرایطی نشان‌دهنده این است که تفاوتی در رویکرد مدیریت کشور با تغییر دولت صورت نگرفته و همچنان مشکلات به‌صورت جدی وجود دارد. بخش مهمی از بودجه مربوط به سیستم عرضه ارز در بانک‌هاست. مهم‌ترین عرضه‌کننده ارز در طول این سال‌ها دولت بوده است. دولت باید این نکته را در نظر داشته باشد که نباید به جیب مردم دست‌اندازی کند. حتی اگر درآمد و توانایی مردم افزایش پیدا نمی‌کند اشکالی ندارد اما دولت نباید دست در جیب مردم کند. پرش قیمت‌ها در اقتصاد کشور به شکلی شده که حتی نمی‌توان نام آن را تورم گذاشت. به‌هرحال تورم دارای تعریف‌های مشخصی است. آنچه امروز در جامعه درباره پرش‌های قیمت‌ها وجود دارد نوعی آنارشیسم است و تعریف مشخصی نمی‌توان درباره آن مطرح کرد.

دلسوزی برای مردم نان نمی‌شود و با اظهارنظر و حرف زدن درباره لزوم توجه به وضعیت زندگی فقرا مشکلات آنها حل نخواهد شد. امروز اغلب اقشار ضعیف جامعه برای خرید خودرو با مشکل مواجه هستند. از سوی دیگر میزان مسافرت‌ها در بین مردم کاهش داشته است و شرایط اقتصادی به‌اندازه‌ای روی مردم زیاد است که امکان سفر برای آنها فراهم نیست

افزایش لجام گسیخته قیمت‌ها تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

در ابتدا باید عنوان کنم که این وضعیت مختص به این دولت نیست و در دولت‌های گذشته نیز وجود داشته است. بخشی از وضعیت کنونی به نیز به دلیل سیاست‌هایی است که در دولت گذشته دنبال شده است. با این‌وجود این وضعیت هنوز ادامه دارد و بلکه بدتر نیز شده است. اگر بهتر شده بود بنده به آن اذعان می‌کردم و از دولت تشکر می‌کردم. جهت‌گیری دولت به سمت کمک به اقشار ضعیف جامعه و فقرا بوده است. این جهت‌گیری خوب است. همین که دولت متوجه شده در زندگی اقشار ضعیف جامعه چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و مردم در چه شرایطی زندگی می‌کنند حائز اهمیت است. نکته مهم این است که دلسوزی برای مردم نان نمی‌شود و با اظهارنظر و حرف زدن درباره لزوم توجه به وضعیت زندگی فقرا مشکلات آنها حل نخواهد شد. امروز اغلب اقشار ضعیف جامعه برای خرید خودرو با مشکل مواجه هستند. از سوی دیگر میزان مسافرت‌ها در بین مردم کاهش داشته است و شرایط اقتصادی به‌اندازه‌ای روی مردم زیاد است که امکان سفر برای آنها فراهم نیست. در چنین شرایطی برخی از خانواده‌ها که در گذشته با مشکلاتی مواجه بودند با افزایش قیمت کالاهای موردنیاز با چالش‌های اساسی مواجه شده و از خرید برخی ملزومات زندگی خود نیز عاجز و ناتوان هستند. ما از هر شخص و نهادی که درباره زندگی فقرا دغدغه داشته باشد و در این زمینه تلاش می‌کند تشکر می‌کنیم. با این‌وجود باید بین حرف و عمل فاصله ایجاد نشود و در زمینه اجرایی به زندگی فقرا رسیدگی شود.

حرف و عمل دولت در این زمینه به چه میزان همخوانی داشته است؟

این وضعیت درباره دولت نیز وجود دارد. به‌هرحال دولت شعارهای خود را در این زمینه قرار داده است. با این‌وجود اگر قرار است تغییرات مثبتی در زندگی مردم رخ بدهد باید در عمل این تغییرات صورت بگیرد. این تغییرات باید در تورم، وضعیت قیمت‌ها و کیفیت زندگی مردم رخ بدهد. دولت باید درزمینه سیاست‌های ارزی به‌صورت معکوس عمل کند. به‌صورت طبیعی نیز فشار زیادی به دولت وارد می‌شود. امروز ما شاهد حجم نقدینگی هستیم و به دلیل اینکه رشد اقتصادی ما متوقف‌شده در شرایط جهش اقتصادی قرار نداریم. تنها در صورت تقویت تولید فناورانه می‌توانیم در مسیر جهش اقتصادی قرار بگیریم. نقشه راه نیز وجود دارد اما هنوز اقدام جدی و کاربردی در این زمینه مشاهده نمی‌کنیم. برخی که از راه ثروت‌های بادآورده به پول‌های هنگفتی رسیده‌اند از تورم سود زیادی برده و تورم برای آنها جشن بوده درحالی‌که برای فقرا عزا بوده است. هنگامی که عنوان می‌کنیم پول ملی باید تقویت شود نباید عکس آن عمل کنیم و اقداماتی انجام بدهیم که ارزش پول ملی روزبه‌روز کاهش پیدا کند. تردیدی ندارم همه کسانی که عنوان می‌کنند فقر باید کاهش پیدا کند دلسوز هستند. اما این دلسوزی باید در عمل مشاهده شود. به همین دلیل نیز اعتماد عمومی مردم کاهش پیداکرده است. هر تکان تورمی شرایط زندگی را برای مردم سخت‌تر می‌کند. تقریباً ۶۲ درصد قدرت خرید در اختیار کمتر از سه دهک جمعیت ماست درحالی‌که ۷۰ درصد جامعه درمجموع ۳۸ درصد قدرت خرید جامعه را در اختیاردارند. این ارقامی است که به‌صورت رسمی اعلام‌شده و در اختیار همه قرار دارد و حتماً دولتمردان به این ارقام و اطلاعات آگاهی دارند. ما امیدواریم همه کسانی که دوستدار فقرا هستند از این دوستداری حفاظت کنند و تلاش کنند مشکلات مردم کاهش پیدا کند.

هر تکان تورمی شرایط زندگی را برای مردم سخت‌تر می‌کند. تقریباً ۶۲ درصد قدرت خرید در اختیار کمتر از سه دهک جمعیت ماست درحالی‌که ۷۰ درصد جامعه درمجموع ۳۸ درصد قدرت خرید جامعه را در اختیار دارند

قاسم محبعلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

گره توافق در مذاکره با آمریکا باز می‌شود؛ نه چین و روسیه

مفهوم راستی آزمایی توافقی گام به گام است

بعید است که آمریکایی‌ها تضمین بدهند

آرمان ملی: مذاکرات احیای برجام در هتل کوبورگ وین در حال برگزاری است و گرچه در مقطعی چندروزه آن هم در جهت هماهنگی مواضع سر تیم‌های مذاکره کننده به پایتخت‌ها بازگشتند تا با دستی پرتر به وین بازگردند اما مذاکرات در موارد کارشناسی همچنان ادامه داشته و دارد. نکته مهم اینجا است که به اذعان همه طرف‌ها مذاکرات پیشرفت خوبی داشته اما در عین حال کند پیش می‌رود. حال باید دید طرفین مذاکره در خصوص اختلافات یا همان پرانتزهای باز به توافق می‌رسند یا باید شاهد دورهای تازه‌ای از مذاکرات باشیم. در این راستا برای بررسی روند مذاکرات، خواسته‌های ایران و نقش طرفین در مذاکرات «آرمان ملی» با قاسم محبعلی تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

روند مذاکرات وین را طی دوره هشتم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مذاکرات اکنون به یک چارچوبی رسیده و بر اساس آن دوره از مذاکرات که در زمان دولت آقای روحانی توافق شده بود همان گونه پیش می‌رود. گرچه در ابتدای دولت جدید تا آغاز مجدد مذاکرات وقفه چند ماهه‌ای افتاد اما تقریبا با چند موضوع جدید شروع کردند. از طرفی مشکل به مسائل کارشناسی باز نمی‌گردد بلکه برخی از این توافقات که انجام شده و هنوز بر سر آن اختلاف وجود دارد بر اساس تصمیمات سیاسی است. لذا کارشناسان نمی‌توانند نسبت به آن موضوعات به تنهایی تصمیم گیری کنند بلکه باید پایتخت‌ها و مسئولان عالی کشورها در خصوص این موضوعات نظر دهند. هر چند که به طور مشخص این مساله باید ابتدا در تهران و واشنگتن حل و فصل و تصمیم گیری شود. البته نباید از تاثیر تصمیم پایتخت‌های اروپایی نیز به راحتی گذشت. لذا باید صبر کرد و دید به خصوص در مورد آمریکا با توجه به تحریم‌هایی که بعد از خروج ترامپ ایجاد شده یا تحریم‌هایی که مانع از نقل و انتقال بانکی و مالی می‌شود اینها چه تصمیمی خواهند گرفت. از سوی دیگر آیا ایران آمادگی کامل دارد که به تعهدات پذیرفته شده در ۵۱۰۲ بازگردد یا اینکه علاقه مند است دستاوردهای خود را که پرهزینه بوده و در این مدت انجام داده به نوعی حفظ کند که این هم مستلزم تصمیم سیاسی است که باید از سوی مقامات عالیه اتخاذ شود. اگر اینگونه باشد تمام این دوسال باید پاکسازی شود و ایران به پروتکل الحاقی بازگردد. از آن طرف اما همه چیز در اختیار رئیس جمهور آمریکا نیست. چیزی که ایران علاقه‌مند است یعنی عدم خروج آمریکا از برجام و تضمین این مساله بعید است که مورد قبول آمریکایی‌ها باشد و برای این مساله آمادگی داشته باشند چراکه اگر آماده هم باشند در عمل ممکن نیست که این تضمین انجام شده و تا چه زمانی برقرار بماند.

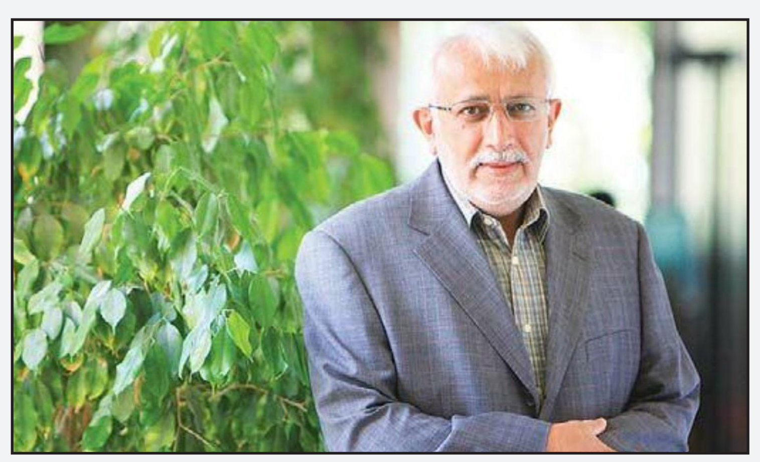

ایران همواره بر دو اصل راستی آزمایی و تضمین عدم خروج از برجام تاکید داشته اما هنوز شاهد موضع مشخصی از سوی آمریکایی‌ها نبوده‌ایم؛ از دیدگاه شما کندی مذاکرات به همین جهت است و این خواسته‌های ایران عملی خواهند شد؟

هنگامی می‌شود از کشوری تضمین خواست که موافقتنامه دو جانبه‌ای میان کشورها امضا شده باشد و از مجالس کشورها نیز عبور کرده باشد که برجام شامل این موضوع نمی‌شود. حتی اگر آن موضوع نیز باشد بازهم دولت‌های بعدی می‌توانند آن را به مجلس بازگردانده و خواهان اصلاح آن باشند. بنابر این تضمین جز در یک معاهده دو جانبه‌ای که داوری داشته باشد مثل قراردادهای دوجانبه میان کشورها به غیر از آن تضمین در عمل واقعیت ندارد. همه توافقات بین‌المللی تحت شرایط زمانی و مکانی خاص هستند و تا تغییر آن شرایط زمانی و مکانی ممکن است کنار گذاشته شوند. از طرف دیگر منظور از مفهوم راستی آزمایی این است که توافقی گام به گام صورت بگیرد. یعنی یک گام آمریکا بردارد و یک گام ایران یا گام‌هایی همزمان برداشته شود. اما بعید می‌دانم که هیچ طرفی آمادگی داشته باشد که همه تعهدات خود را یک طرفه انجام دهد و منتظر انجام تعهدات طرف مقابل باشد. چنین چیزی نیز غیرعملی است.

اخیر اروپایی‌ها بارها با به کار بردن کلید واژه‌هایی همچون هفته‌های آتی و محدودیت زمان تلاش در وارد آوردن فشار بر ایران دارند در حالی که از طرف دیگر پیشرفت مذاکرات را نیز متذکر می‌شوند؛ این تناقض رویکردی از سوی ترئیکای اروپا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

توافق برای این بود که اولا در یک بازه زمانی ۸ ساله برنامه هسته‌ای ایران به یک برنامه صلح آمیز تبدیل شود. ثانیا یک زمان یک ساله در طول برجام برقرار باشد که اگر ایران خواست از برجام خارج شود یا به سمت انحراف از برجام و مساله نظامی برود آنها فرصت کافی برای برخورد داشته باشند. ادعای آنها این است که در پی این اقداماتی که طی یکی دو ساله اخیر انجام گردیده زمان کوتاه شده و به چند هفته رسیده و بنابر این اگر این مذاکرات در چند هفته به توافق نرسد عملا ایران از خط قرمز آنها عبور کرده است. بنابر این برجام معنی ندارد و راجع به چه چیزی توافق خواهند کرد؟ باید به دنبال یک توافق جدید و شرایطی جدید باشند. صراحتا نیز می‌خواهند راجع به این موضوع امتیازات بیشتری بگیرند و همان‌طور که اشاره کردم اینکه آیا ایران آمادگی دارد که به شرایط سال ۵۱۰۲ یا ۴۹۳۱ بازگردد و همه این اقداماتی که پس از آن انجام داده پاکسازی کند؟ اگر این روند ادامه پیدا کند نظر آنها به سمت تولید سلاح حرکت می‌کند.

موضع روسیه را در مذاکرات وین چگونه می‌بینید که در مقطعی در نقش میانجی ظاهر شدند و در مقطع دیگری درصدد تسهیل‌گر و مدیریت مذاکرات؟

مشکلی که به سیاست خارجی کشورمان باز می‌گردد این است که با طرف دعوای اصلی یعنی آمریکا به گفت‌وگو ننشستیم. روسیه، چین و اروپا که طرف اصلی قضیه نیستند و از برجام خارج نشدند. این آمریکا بود که از برجام خارج شد. بنابر این طرفی که باید با او توافق کرد اگر قرار باشد برجام احیا شود آمریکا است. لذا مذاکره با آمریکا صورت می گیرد و چون ایران از مذاکره با آمریکا امتناع می کند واسطه‌هایی مطرح می‌شود و در این میان روسیه سعی می کند این نقش را به‌عهده گیرد که هم منافع خودش حفظ شود و هم مذاکرات را در چارچوبی پیش ببرد که اگر لازم باشد برجام به نتیجه برسد یا نه شاید روس‌ها علاقه مند باشند زمان بیشتری برای این کار وجود داشته باشد و بازگشت به برجام به گونه‌ای باشد که اولا تحریم‌های ایران به طور کامل برداشته شود و ثانیا روابط ایران و اروپا و آمریکا به حالت عادی بازنگردد.

فکر می کنید کشورهای حاشیه برجام که درصدد تاثیر گذاری در به نتیجه نرسیدن مذاکرات هستند چقدر می توانند در این راه موثر واقع شوند؟

سیاست بایدن با اوباما فرق می کند. اوباما حاضر نبود که آمریکا مستقیما با ایران به توافق برسد اما سیاست بایدن این است که کشورهای متحد را هم با خود به همراه داشته باشد. لذا بر همین اساس نقشی برای کشورهایی همچون اسرائیل پیدا می‌شود و همچنین اینها در پی افزایش درخواست‌های خود متناسب با منافعشان می توانند موثر باشند و رسیدن به توافق را به تاخیر بیندازند.

سید ناصر قوامی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دانستن جزییات قرارداد ایران و چین، حق مردم نیست؟

مجلس یازدهم فعلا توان تغییر هیچ وزیری را ندارد

دولت هنوز تغییری در شرایط جامعه به وجود نیاورده است

آرمان ملی: ۵ماه از روی کار آمدن دولت سیزدهم و یک سال و اندی از روی کار آمدن مجلس یازدهم گذشته است، اما هرچه بیشتر پیش می‌رویم این گزاره معنادار تر می‌شود که مطالبات مردم و وعده‌های داده شده از سوی مسئولان به بوته فراموشی سپرده می‌شود. نگاهی به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم موید این گفته است. قرار بود سفره مردم کوچک نشود اما آنچه مشخص است خرید برخی اقلام و مایحتاج برای مردم سخت شده است. این در حالی است که دولت و مجلس وعده بهبود معیشت داده بودند. در این راستا برای بررسی وضع معیشتی مردم، نوع عملکرد دولت و مجلس و استیضاح برخی وزرا، «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام سیدناصر قوامی نماینده سابق مجلس و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

عملکرد دولت سیزدهم را پس از گذشت بیش از ۵ ماه از روی کار آمدن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ساختار سیاسی کشور بر اساس قانون اساسی و با توجه به نهادهای حکومتی بیانگر این مساله است که با تغییر رئیس جمهور عملا هیچ اتفاقی نمی‌افتد و صرفا نوع رویکرد دولت و سیاست‌های حاکم بر دولت مقداری دستخوش تغییر و تحول می‌شود. کما اینکه با تغییر مجالس تغییری در روند امور صورت نمی‌پذیرد و صرفا نوع رویکرد سیاسی مجالس در تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری‌ها مقداری تفاوت می‌کند. گرچه که انتخاب مردم در مجلس و ریاست جمهوری بعضا محدود شده است. لذا درست نیست که با این شرایط مردم از آقای رئیسی و دولتش توقع داشته باشند. برای اینکه با توجه به ساختار و شکل‌گیری نهادهای حکومتی در کشور طبق قانون اساسی کاری از دست رئیس‌جمهور ساخته نیست. لذا تغییر رئیس هیچ مشکلی از جمله در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی را حل نمی‌کند این مطلب را نیز مردم به خوبی فهمیده‌اند و عدم مشارکت بیش از ۵۰ درصد مردم در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم در خرداد ۱۴۰۰ و دادن ۴ میلیون رای باطله حکایت از این دارد که مردم دیگر اعتمادی ندارند که با تغییر رئیس‌جمهور یا مجلس تغییری صورت پذیرد. آنهایی که در کشور قدرت دارند پاسخگو نیستند و آنهایی هم که قدرت ندارند پاسخگویی‌شان ارزشی ندارد. بنابر این در کشورهایی که به این صورت‌اند و نهادهای قدرت پاسخگو نیستند نمی‌توان نسبت به شرایط موجود در جامعه پرسشگری و مطالبه‌گری کرد. در قانون اساسی چه کسانی اختیار دارند؟ اگر به این موضوع توجه کنید می‌بینید آنهایی که قدرت را در اختیار دارند پاسخگو نیستند. مردم نیز به هر صورت شرایط و گرانی را تحمل می‌کنند. هرچند که عده‌ای از این گرانی‌ها سود می‌برند و از تحریم‌ها کاسبی می‌کنند. حال بخش زیادی از جامعه روز به روز فقیرتر می‌شوند و آسیب می‌بینند. اما با این رویه و عملکرد مشکلی از مشکلات جامعه و مردم حل نمی‌شود و تنها کاری که از مردم بر می‌آید این خواهد بود که در موعد انتخابات کمتر پای صندوق‌های رای بروند و اینگونه اعتراض و نارضایتی خود را نشان دهند. گرچه برخی جریانات با این موضوع نیز مشکل ندارند و معتقدند که تفاوتی نمی‌کند که ۴۰ درصد مشارکت انجام گیرد یا حتی به ۲۰ درصد برسد. چراکه در هر صورت همه چیز بر سر جای خود باقی است.

اصولگرایان و دلواپسان پیش از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس معتقد بودند که همه مشکلات از دولت روحانی و مجلس دهم است و اگر آنها روی کار بیایند همه‌چیز درست خواهد شد؛ اما اکنون که آنها هم روی کارند تغییری صورت نگرفته؛ این موضوع را چگونه تحلیل می‌کنید؟

معتقدم بسیاری از شعارهایی که داده شد صرفا رویکرد انتخاباتی داشت منتها مساله این است که اینها بلدند چه کار کنند. اکنون می گویند که آقای عراقچی بیش از اختیاراتی که داشته در دور ششم مذاکرات برجام به آمریکایی‌ها امتیاز داده بوده است. اما حال خودشان که پیش از این از مخالفان برجام بوده‌اند و برجام را خیانت می‌دانستند حال که می‌خواهند در خصوص همین برجام مذاکره کنند و به توافق برسند اول مطرح می کنند که عراقچی خائن بوده و ما این مساله را درست کردیم. لذا اصولگرایان راه تبلیغات را بلدند و در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نیز همین اتفاق رخ داد. البته در مورد عملکرد دولت قضاوت هنوز زود است و مردم باید در آینده قضاوت کنند. البته در حال حاضر مردم هم به اصلاح‌طلبان به لحاظ عملکرد دولت آقای روحانی بی‌اعتماد شده‌اند. به اصولگرایان نیز که از ابتدا اعتماد آنچنانی نداشتند. حال مردم در آینده قضاوت خواهند کرد که این شعارها و وعده‌های داده شده برای انتخابات و فریب افکار عمومی بوده یا واقعا جنبه کارکردی داشته است. تا وقتی که در نظام بین‌الملل به طور منسجم با همه کشورها و قدرت‌های بین‌المللی تعامل نداشته باشیم و صرفا به برخی کشورها توجه کنیم نتیجه همین است. قرارداد ۲۵ ساله‌ای با چین بسته شده که مردم نمی‌دانند جزئیات آن از چه قرار است. یعنی مردم آنقدر نامحرم هستند که دولت حتی حاضر نیست کلیات این توافق با چینی‌ها را منتشر کند. از طرف دیگر می‌گویند که این قرار داد اجرایی شده در حالی که طبق قانون اساسی توافقنامه‌ها باید به مجلس رفته و تصویب شود و سپس برای اجرایی شدن به دولت بازگردد. حال وزیر امور خارجه بدون تصویب مجلس می‌گوید این قرارداد اجرایی شده که خود محل تامل و سوال است. در حالی که قانون اساسی در این موضوع صراحت دارد. حال مجلس که در دست خود اصولگرایان است لااقل قرارداد را به مجلس همسوی خود بدهند و پس از تصویب مجلس بگویند اجرایی شده است.

عملکرد برخی از وزرای دولت باعث شده تا مجلس همراه نیز درصدد استیضاح و سوال برآید، این نوع رویکرد مجلس در تعامل با دولت را چگونه می‌بینید و عملکرد مجلس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تا زمانی که نهادهای قدرت تصمیم نگیرند که رویه تغییر کند مجلس توان عوض کردن هیچ وزیری را ندارد. مگر اینکه از جای دیگری تصمیم گرفته شود که فلان وزیر برود و الا این مجلس با این ترکیب و وضعی که هست توان استیضاح، برکناری و پس گرفتن رای اعتماد از وزیری را ندارد. این هم به این دلیل است که به لحاظ برخی فیلترهای نظارت مجلس را از خاصیت انداخته‌اند و وانگهی مجلس در قانون‌گذاری قدرتی ندارد. مجلس می‌نویسد و شورای نگهبان نظر می‌دهد. در دوران مجلس ششم نیز این مشکلات را داشتیم و خیلی از موضوعات را می‌خواستیم تصویب کنیم که به نفع منافع ملی و مردم باشد اما نتیجه‌ای نداد. می‌خواستیم قانون انتخابات را تصویب کنیم نشد، می‌خواستیم قانون اختیارات ریاست جمهوری را که آقای خاتمی داده بود اصلاح و تصویب کنیم نشد. لذا مجلس در قانون‌گذاری نقش و اختیار ندارد. در نظارت و استیضاح نیز باید دید لابی‌ها چگونه انجام می‌شود و نظرات خارج از مجلس بر چه اساس است. اگر ندا برسد که مجلس حق استیضاح ندارد قطعا مجلس نیز به این سمت و سو نخواهد رفت. لذا همه وعده‌ها و قول‌هایی که مجلس نشینان در راستای مسائل مختلف به مردم دادند بیشتر جنبه شعاری دارد، چراکه اینها ید طولایی در تبلیغات دارند. مردم نیز خسته شدند و دیگر شعارها را باور ندارند، چراکه وقتی به خرید اقلام و مایحتاج خود می‌روند می‌فهمند که اوضاع از چه قرار است.

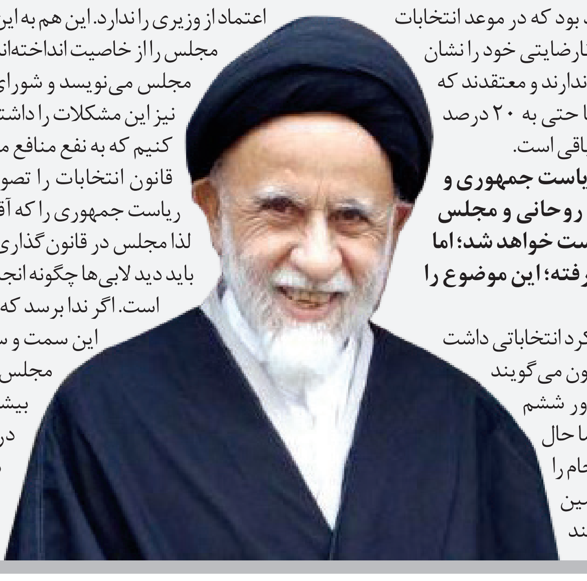

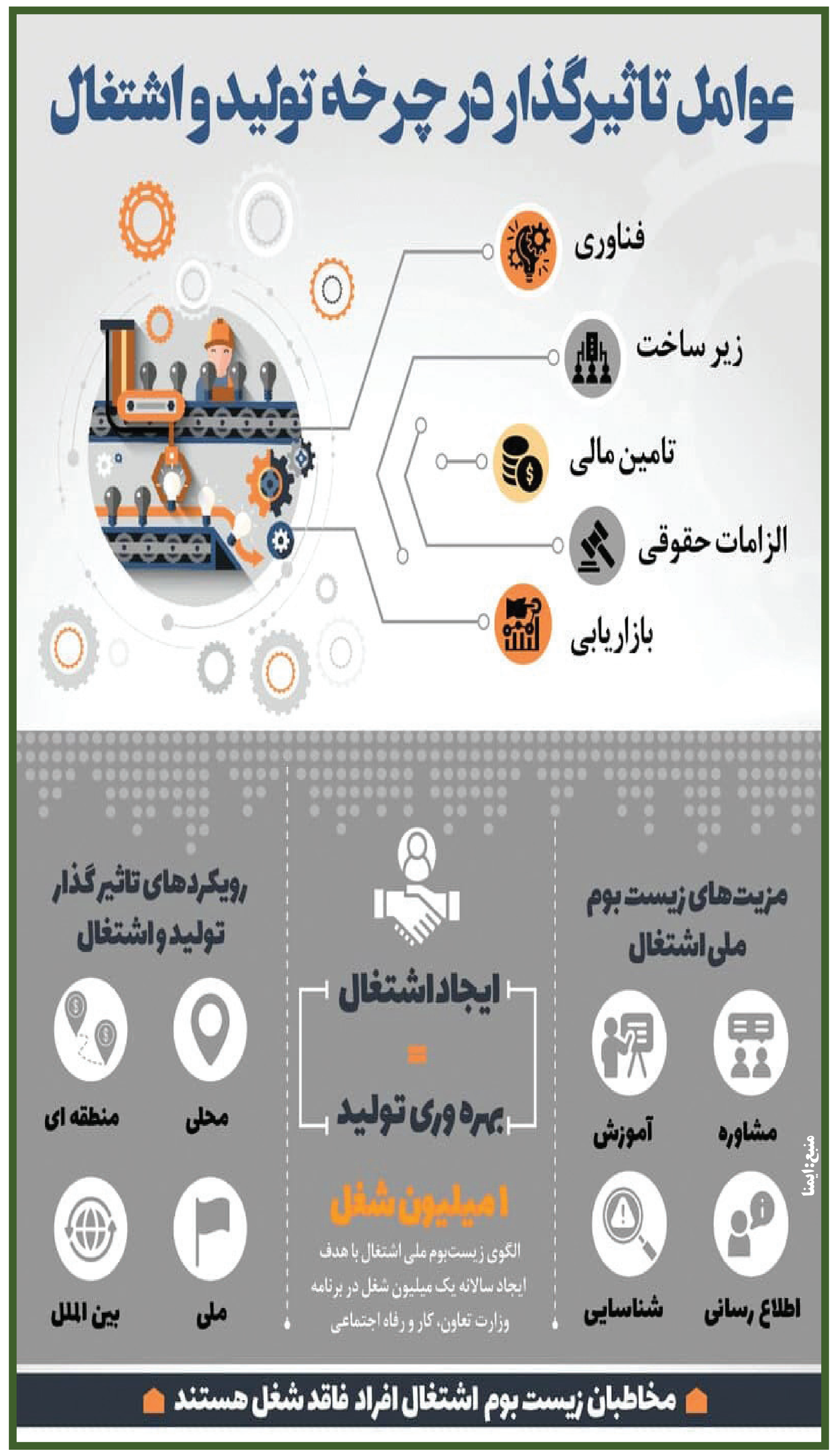
عوامل تاثیرگذار در چرخه تولید و اشتغال
فناوری
زیر ساخت
تامین مالی
الزامات حقوقی
بازاریابی
مزیت‌های زیست بوم ملی اشتغال
مشاوره
آموزش
اطلاع رسانی
شناسایی
ایجاد اشتغال
=
بهره وری تولید
۱ میلیون شغل
الگوی زیست‌بوم ملی اشتغال با هدف ایجاد سالانه یک میلیون شغل در برنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
رویکردهای تاثیر گذار تولید و اشتغال
محلی
منطقه ای
ملی
بین الملل
منبع: ایسنا
مخاطبان زیست بوم اشتغال افراد فاقد شغل هستند

یادداشت

توافق یک چشم‌انداز لرزان دارد

مهدی مطهرنیا
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

چشم‌انداز توافق متوجه پیشران‌های موجود و روندهای ایجاد کننده این پیشران‌هاست. صحبت رهبری در حوزه‌های گوناگون سیاسی به ویژه سیاست خارجی، به خصوص پرونده هسته‌ای در باب مذاکره با دشمن و اینکه مذاکره با دشمن به معنای سازش با او نیست، یک جمله بسیار دقیق در ارتباط با چشم‌انداز آینده مذاکرات است و می‌تواند از سوی تحلیلگران مختلف پایتخت‌های کشورهای گوناگون درگیر در پرونده هسته‌ای ایران مورد تحلیل قرار گیرد. مرجع این دشمن ایالات متحده آمریکاست و پیرامون ایالات متحده آمریکا کشورهای متحد و همکار با آمریکا را در بر می‌گیرد. به هر تقدیر ۱+۵ متوجه یک ابرقدرت مرکزی به آمریکا و پنج قدرت بزرگ بین‌المللی است که سه کشور اروپایی متحد آمریکا و دو کشور رقیب و عین حال همکار ایالات متحده در معادلات بین‌المللی را شامل می‌شود. اگرچه بین این دو کشور و پایتخت‌های آنها یعنی مسکو و پکن اصطکاک‌های جدی با واشنگتن وجود دارد، اما در مسائل بین‌المللی بده بستان‌های خاصی صورت می‌پذیرد و همین اصطکاک‌ها موجب بده بستان‌ها بر سر پایتخت‌هایی مانند تهران، دمشق و منامه و... می‌شود. این واقعیت تغییر ناپذیر است؛ لذا اگرچه واژه دشمن متوجه واشنگتن دی سی است، اما لبه‌های آن پنج پایتخت دیگر قدرت‌های بزرگ جهانی را در بر می‌گیرد. از این جهت باید گفت که توافق یک چشم انداز لرزان دارد؛ بدین معنا که ایران اکنون مذاکره می‌کند تا به توافقی دست یابد که آن توافق بتواند در بافت موقعیتی کنونی و وضعیت ایجاد شده ناشی از تحریم‌ها، برای ایران دستاوردهای مقطعی را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر طرف‌های مذاکره کننده آن سوی میز به دنبال توافق‌های مقطعی هستند تا بتوانند نابسامانی‌های موجود در پایتخت‌های خود و نظام بین‌الملل را متوجه یک تنفس گاه معنادار کنند. تا اینجا دو رویکرد مثبت برای ایجاد یک توافق مقطعی در حال ایجاد است. لذا باید گفت که چشم انداز دستیابی به یک توافق مقطعی تا حدودی نسبت به گذشته خود را بهتر نشان می‌دهد. اما در ارتباط با تهران مسأله فقط جهت گیری قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای نیست، بلکه بازیگران منطقه‌ای از جمله اسرائیل، عربستان و دیگران همچون ترکیه نیز وارد بازی شده‌اند. ایرانی که به هیچ وجه نمی‌پذیرفت که در دوران حسن روحانی بازیگران دیگری وارد عرصه گفت‌وگو چه مستقیم و چه غیرمستقیم در ارتباط با پرونده هسته‌ای شوند، اکنون شاهد رفت و آمد سفرای کشورها و یا نمایندگان کشورهایی مانند کره جنوبی، عربستان و دخالت‌های آشکار اسرائیل در مذاکرات است، به گونه‌ای رئیس دولت حاکم بر تل آویو، اکنون آشکارا می‌گوید هر توافقی که با ایران صورت پذیرد، اسرائیل خود را متعهد به آن توافقات نخواهد دانست و عملکرد هجومی خود نسبت به تهران را ادامه خواهد داد. این چشم انداز، توافق را آن هم توافقی مقطعی را با توجه به اوضاع و احوال موجود در واشنگتن و لرزان بودن دولت بایدن و احتمال روی کار آمدن یک کنگره با اکثریت جمهوریخواهان و شکست احتمالی بایدن در وضعیت حاضر و در سال ۲۰۲۴ بسیار سخت می‌کند و لغزندگی را بیشتر به نمایش می‌گذارد. از این جهت باید گفت که نیاز ایالات متحده به یک توافق آن هم نیم بند با تهران، بسیار کمتر از نیازی متصور می‌شود که تهران در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی خواهان آن است. این می‌تواند توافق بدی را برای ایران به همراه داشته باشد که یک پله از برجام پایین‌تر است و بدین ترتیب ریزش‌های موجود در حمایت از دیدگاه‌های انقلابی در تهران با توجه به یکدست شدن دولت به معنای قوه مجریه با نهادهای فراحکومتی را بیشتر به نمایش بگذارد؛ لذا رسیدن به یک توافق در ظاهر و در کوتاه مدت می‌تواند یک نشاط اقتصادی و سیاسی وارد کند، اما با توجه به زیر بن‌های بسیار لرزان، شکننده و در عین حال ضد تهران موجود در منطقه و نظام بین‌الملل می‌تواند یک توافق نیم بند و مقطعی را به ضد خود تبدیل سازد. چرا که با انجام این توافق، توقعات فزاینده مردمی بیشتر خواهد شد. نشاط اقتصادی برای مدت کوتاهی زیر یک سال به وجود خواهد آمد. اما تحریم‌های اساسی برداشته نخواهد داشت. پرونده‌های دیگری مطرح می‌شود و ایران باید به برجام پلاس‌های گوناگون دیگر تن در دهد. بدین ترتیب آنچه که تحت عنوان دولت انقلابی در ایران خوانده می‌شود از مجرای معنادار خود تهی خواهد شد و مدافعان انقلابی خود در دفاع از ارزش‌های انقلابی را با تزلزل روبه‌رو خواهد ساخت. این است که در بعضی از رویکردهای کنشگران یا بازیگران اسرائیلی انجام توافق امر مثبتی پنداشته می‌شود، چراکه نتایج توافق این گونه در میان مدت و دراز مدت به ضد خود تبدیل شود؛ بنابراین می‌توانیم این را بگوییم توافق ضد توافق؛ یعنی سناریوی توافق ضد توافق عصری به وجود می‌آید و این لغزندگی‌های موجود را می‌تواند در میان مدت و در درازمدت افزایش دهد.

نگاه

عملیات احیا در وین

ادامه از صفحه اول/ واسطه دیپلماتیک در برجام، نقطه ارتباطی منافع سه ضلعی آمریکا، ایران و اروپا باشند. اما اروپایی‌ها که پیش از این در قامت تروئیکا در مذاکرات برجامی نقش موثرتری داشتند همراه با تغییر در سطوح سیاست داخلی به نظر می‌رسد که در مذاکرات احیای برجام، از یکپارچگی سابق دیگر خبری نیست و تنها این فرانسه است که نقش همیشگی خود در قامت یک پلیس بد را ایفا کرده است. همچنین اگر نگاهی جامع به مذاکرات احیای برجام در وین داشته باشیم، به نظر می‌رسد که مذاکرات در مسیری درست و روبه پیشرفت حرکت می‌کند و در پس برخی رویکردهای متناقض میان ایران، ۱+۴ و ایالات متحده نوشتار یک متن واحد آغاز و حتی به پایان رسیده باشد به نحوی که الگوی رفتاری دولت بایدن و سکوت اجرایی در قبال فشار تحریمی عملا نشان می‌دهد که ایران و ۱+۵ به یک توافق موقت در قبال اقدامات اعلامی و اجرایی رسیده‌اند و این توافق مسیر یک توافق گام به گام اجرایی نانوشته خواهد بود تا در یک نقطه معین به شرایط اعلامی رسمی بینجامد. در فرجام می‌توان تاکید کرد که ادراک راهبردی و انتظارات طرف‌های برجامی در مذاکرات وین امروز در وضعیت بسیط قرار دارد و آنچه این رویکردهای بسیط را در تلاقی منافع ملی در کنار هم قرار خواهد داد، نگاه متوازن و رویکرد جدید بین‌المللی گرایی و تعامل هوشمند ایران به منظور بهره گیری از سازه‌های قدرت ملی برای کاهش تهدیدات در محیط امنیتی، تداوم تعاملات اقتصادی و نهایتا حفظ پیگیری منافع ملی است.